

اخبار

دریغ و افسوس ژاله آموزگار بر ای

ابوالفضل خطیبی

ژاله آموزگار، وداع خطیبی را زودهنگام خواند و گفت: به این سرزمین دوست‌داشته‌ی‌مان باید شیره جان داد و در رفغ کاستی‌هایش کوشید. به نظر من خوشبکاری همه ما این است که با آنچه می‌دانیم و می‌توانیم رهرو این راه باشیم؛ کاری که خطیبی کرد. او کوشید با آنچه در توان او بود در این راه گامی بردارد. دست‌افزار او قلم بود و کلام. او نوشت و گفت و در این راه سوار تیزپایی بود. ولی افسوس خطیبی عزیز ما زود رفت.

به گزارش ایستا، ژاله آموزگار، استاد فرهنگ و

زبان‌های باستانی و عضو شورای عالی علمی مرکز

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، در مراسم یادبودی

که برای ابوالفضل خطیبی در مرکز دایره‌المعارف

بزرگ اسلامی برگزار شد، سوگنامه‌ای که برای او

نوشته بود، خواند.

او در متن این سوگنامه نوشته است: «هنوز خیلی زود بود که خطیبی عزیز با دوستانش وداع کند. او در آغاز دهه شصت زندگی‌اش بود؛ دوران شگفتگی و پس دادن آموخته‌ها. او هنوز بسیار سخن برای گفتن داشت.

این برای وانفسای پژوهش، در بازار کساد سنجیده سخن گفتن، برای خواندن، آموختن و تحقیق کردن زمان گذاشتن، بدون چشم‌داشت مادی قلم زدن، برای یک واژه چندین منبع را بررسی کردن، برای دست‌یابی به یک نسخه دست به دامان این و آن شدن که از ویژگی‌های زنده‌یاد خطیبی بود. هنوز مشتری دارد؟ آیا خطیبی‌های دیگری هنوز هستند و خواهند بود؟ آیا گرفتاری‌های این روزگاران فرصتی خواهد داد که رهوران این راه از پای ناپسنداند و داوطلبانی نو در این راه گام بردارند و عاشقانه کار کنند؟ دلم می‌خواهد خوش‌بین باشم. دلم می‌خواهد به جوانان بالاستعداد سرزمینم دل ببندم که در این راهند و همچنان از خاکستر ققنوس‌ها سر برخواهند آورد و باز به این بازار کساد رونق خواهند بخشید. وگرنه روان خطیبی‌ها به آرامش نخواهد رسید.

خطیبی ایران را همه همه‌ویزگی‌هایش دوست

داشت

دکتر خطیبی خطیبی مناشق این سرزمین بود. ایران عزیز ما را با همه ویژگی‌هایش دوست داشت. سرزمین ایران که تنها منشی خاک نیست؛ فرهنگ آن است، بزرگان آن، شعر و ادب و اخلاق و صفا و صمیمیت مردم آن است، نواهای دلنشین و یاپکی‌های زیبا و دیدنی و گونه‌های متنوع زبانی اقوام آن است. فردوسی و شاهنامه و هویت ملی، رودکی و بیهقی و نظامی و حافظ و مولوی و صائب و نیما و شهبازر آن است، گذشته غنی و پربار آن و پستی‌ها و بلندی‌های تاریخی آن است. زخماها و آسیب‌های وارده‌شده بر پیگرد نازنین آن است. ایران یعنی مجموعه‌ای از همه این‌ها و عشق به ایران یعنی دوست داشتن همه این جلوه‌ها. ولی آیا دوست‌داشتن تنها کافی است؟ نه، به نظر من، باید این مهر و محبت را باور کرد، باید نشان داد و باید در راه اعتنای تک‌تک آن‌ها کوشید و باید در شناسایی هرکدام از آن‌ها تلاش کرد و خطیبی تنها به دوست‌داشتن تنها بسنده نکرد. او در حد توانایی‌اش برای اعتلا و شناخت این فرهنگ بزرگ همت گماشت. درست مانند مادری که فرزندی را عاشقانه دوست دارد و این عشق او را به نگاهبانی فرزندی رهنمون می‌شود تا شیره جانش را در کام او بریزد، تیسار کند، بارورش سازد و سپس به بازگوئی سبایای او بپردازد. تنها نستسن و از محبت دم زدن و قدمی برداشتن به چه درد معشوق می‌خورد؟

به این سرزمین دوست‌داشته‌ی‌مان باید شیره جان داد و در رفغ کاستی‌هایش کوشید. در ضمن از زیبایی‌ها و توانایی‌های آن سخن گفت. به نظر من خوشبکاری همه ما این است که با آنچه می‌دانیم و می‌توانیم رهرو این راه باشیم، کاری که خطیبی کرد. او کوشید با آنچه در توان او بود در این راه گامی بردارد. دست‌افزار او قلم بود و کلام. او نوشت و گفت و در این راه سوار تیزپایی بود. ولی افسوس خطیبی عزیز ما زود رفت. در روزهای تلخ پس از درگذشت او شاهد هم‌دردی‌های صمیمانه و تسلیت‌های از دل برآمده دوستان و دوستانان او هستیم؛ فهرست آثارش را نوشتند، کتاب‌هایش را معرفی کردند، از مقاله‌های خواندنی‌اش سخن گفتند و از مدخل‌های متعددی که در دایرةالمعارف‌ها نوشته بودند نام بردند.



باستان‌شناسان در یکی از محوطه‌های پهنه آبیگر سد «چمشیر» به آثار فرهنگی و معماری از دوره عیلام، از جمله خشت‌های آجری‌رنگ محکم و مُهری منقوش دست یافته‌اند.

به گزارش ایستا، «۱۱۳» همان محوطه‌ای است که به گفته باستان‌شناسان اگرچه شاخص بوده، اما قرار است با آبیگری سد، هرچند با تاخیر زیر آب برود. با این وجود، پژوهشگاه میراث فرهنگی اعلام کرده کاوش باستان‌شناسان در این محوطه همچنان ادامه خواهد داشت.

در حالی که کفایت مطالعات باستان‌شناسی در حوضه سد چمشیر اعلام شده و کار باستان‌شناسان به پایان رسیده، اما کاوش‌ها در یک محوطه همچنان ادامه دارد؛ محوطه ۱۱۳ با سرپرستی «مرتضی حصاری» همچنان در حال کاوش است.

پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری اعلام کرده است باستان‌شناسان در این محوطه تاریخی به شناخت مناسبی درباره دوره‌های استقرار در این محوطه، کاربری فضاها، گاهنگاری نسبی و بقایای جانوری مورد استفاده شده در این محوطه رسیده‌اند.

محمود حسینی عزیزی خرنیقی ـ مدیر و ناظر کاوش‌های نجات‌بخشی سد چمشیر ـ از بین ۱۳ محوطه‌ای که باستان‌شناسان، پیش از آبیگری سد چمشیر در کمتر از ۴۰ روز کاوش کردند، محوطه ۱۱۳ «شاخص» اعلام کرده و قدمت آن را به دوره عیلامی نسبت داده که کاوش‌های آن هنوز ادامه دارد و به گفته مدیران سد، چون این محوطه در انتهای مخزن قرار گرفته با توجه به تراز آبیگری، با تاخیر زیر آب خواهد رفت.

به گزارش ایستا، با اجرای نمایش «آگنی‌تاژ» در

تالار چهارسو تئاتر شهر گفته می‌شود تئور اجرهای جشنواره چهل و یکم تئاتر فجر مردم شده است.

این نمایش که متن آن را رسول حق‌نوشته با کارگردانی حسین کارگر روز دوشنبه ۳ بهمن و در سومین روز از جشنواره تئاتر فجر روی صحنه رفت و با استقبال تماشاگران رو به رو شد و برای اولین بار سالن آژار، به هنگام اجرای این نمایش پُر شد. نمایش «آگنی‌تاژ» کاری از شهرستان ماهشهر است.

اما تماشاگرانی که دیروز برای تماشای اولین نوبت نمایش «امل» از کشور عراق به تالار مولوی مراجعه کرده بودند، ناگهان متوجه شدند که این نمایش اجرا نمی‌شود. بعضی از تماشاگران درباره دلایل لغو اجرای این نمایش در گپ و گفت‌های غیررسمی و شفاهی توضیح دادند که ظاهراً ماجرا به اختلاف‌نظری میان گروه اجرایی این نمایش و سالن اجرا بازمی‌گردد. به نظر می‌رسیده گروه اجرایی طوری مشغول نصب دکور بوده‌اند که ریسک بالایی از جهت صدمه زدن به سالن وجود داشته است و به همین دلیل مسئولان سالن از گروه اجرایی خواسته بودند تا دکور خود را طوری نصب کنند که سالن آسیبی نبیند. با این همه، دومین نوبت اجرای این نمایش بر صحنه رفت و مدیر تالار مولوی هم در توضیچی کوتاه عنوان کرد که لغو اولین اجرای نمایش به دلیل بعضی از مشکلات فنی بوده است.

هرچند در جدول نمایش‌های بخش صحنه‌ای جشنواره مشخص شده که روز چهارشنبه ۵ بهمن ماه اجرا با عنوان «مادرم زری سر زا رفت» در تالار قشقایی تئاتر شهر اجرا می‌شود، باید گفت که این نمایش روز یکشنبه ۲ بهمن ماه در تالار استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر اجرا شده است! این موضوع یکی از تغییرات جدول جشنواره است که اطلاع‌رسانی نشده است.

بر اساس پیگیری ایستا مشخص شده که فردا، چهارشنبه ۵ بهمن ماه نمایش «هی می‌خواهم خوبتانو می‌بینم» در تالار قشقایی روی صحنه می‌رود.» در جدول جشنواره قید‌شده که این نمایش روز یکشنبه ۲ بهمن ماه در تالار استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر اجرا داشته است.

دیگر تغییراتی که در جدول وجود دارد، به مدت زمان نمایش «مامور خیابان نود و دو» بازمی‌گردد.

از تئاتر جشنواره تئاتر چه خبر؟

لغویک اجرا و چند ماجرای دیگر در تئاتر فجر

صحنه‌ای از چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر از جمله رویدادهای این جشنواره در یکی دو روز اخیر بوده است.



این نمایش شب گذشته، دوشنبه ۳ بهمن ماه در تالار استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه رفت. در جدول اجراها قید شده که مدت زمان این نمایش ۹۰ دقیقه است در حالیکه این نمایش حدود ۱۱۵ دقیقه روی صحنه بود و همین مساله سبب شد برنامه بعضی از تماشاگران دچار اخلاخل شود و نتوانند نمایش‌های دیگری را که برای تماشای‌شان برنامه‌ریزی کرده بودند، ببینند. از سوی دیگر اجرای دوم این نمایش هم طبیعتاً تاخیر آنرا در جشنواره تئاتر فجر روی صحنه می‌بردند، در بسیاری از موارد به دلیل مشکلاتی که گاه برای نصب دکور یا نور پیش می‌آمد، این تاخیر اجتناب‌ناپذیر و برای تماشاگران و داوران جشنواره، امری پذیرفته شده بود ولی در چند سال اخیر که بخش عمده‌ای از آثار بعد از اجرای عمومی در جشنواره فجر روی صحنه می‌رفتند، این مشکل کمتر در اجراهای جشنواره دیده می‌شد.

یک اتفاق خاص برای زیاله‌گرد تهرانی

عصر دوشنبه سوم بهمن و در سومین روز از برگزاری جشنواره تئاتر فجر، در جریان اجرای نمایش خیابانی «لیلی و مجنون» در پهنه رودکی، یک زیاله‌گرد، به گروه بازیگران این کار پیوست. او با حضور در این نمایش و همراهی با دیگر عوامل

فرشچیان چگونه فرشچیان شد؟

محمود فرشچیان بی‌شک مشهورترین نگارگر معاصر ایران است. آثار او نه تنها نزد هنرشناسان، بلکه نزد مردم نیز از مقبولیتی خاص برخوردار است. حسین عصمتی ـ هنرمند نگارگر و مجسمه ساز ـ که دآوری رشته نگارگری جشنواره هنرهای تجسمی فجر امسال را عهده‌دار است، در ارتباط با جایگاه محمود فرشچیان در حوزه نگارگری ایران در گفت‌وگو با ایستا چنین می‌گوید: هر هنرمندی برای خودش یگانه است و هیچکس نمی‌تواند جایگاه آن هنرمند را به‌دست بیاورد و یا به آن نزدیک شود. فرشچیان نیز از آن جهت که هنرمند نگارگر ماست تحولاتی را در این هنر ایجاد کرده و موجب گسترش یافتن این هنر شده است. همچنین فرشچیان برای جوانان انگیزه ایجاد می‌کند و بعضی اوقات از آنان حمایت معنوی و مادی می‌کند. او جایگاه خاص خودش را دارد و کسی نمی‌تواند به جایگاهش برسد.

او ادامه می‌دهد: در حوزه نگارگری افراد مطرح دیگری نیز داریم؛ هنرمندانی چون تاکستانی، مطیع و آقامیری از استادان پیشکسوت ما هستند اما به همین تعداد محدود شدند و در حال حاضر از انگشتان دست هم تجاوز نمی‌کنند. ما هنرمندان بینکشوفتتان را با عنوان هنرمندان نسل اول می‌شناسیم اما خوشبختانه هنرمندان نسل دوم که ما نیز می‌توانیم در آن قرار بگیریم، تعداد قابل توجهی هستند و برای خودشان جایگاه و شیوه خاصی در تولید آثار هنری در حوزه نگارگری دارند.

عصمتی در ارتباط با عوامل دخیل در رسیدن محمود فرشچیان به جایگاه کنونی، چنین بیان می‌کند: این سوال نیازمند پژوهش است اما یکی از این دلایل، دریافت حمایت‌های معنوی در زمینه‌های مختلف بود.

همچنین ایجاد فضای کار را می‌توان علت دیگری برای دیده شدن او در نظر گرفت؛ برای مثال دعوت از فرشچیان برای طراحی ضریح امام حسین(ع) و امام رضاع(ع) ایجاد فضای کار و به نوعی حمایت معنوی از ایشان بود و باعث ایجاد انگیزه برای کار می‌شد؛ بنابراین اگر چنین امکانات، شرایط و فضایی برای دیگر هنرمندان فراهم شود، گرچه خودشان نیز در ایجاد این فضا دخیل هستند، آنها نیز این قابلیت را دارند تا آثارشان را بهتر و بیشتر نمایش دهند.

به گزارش ایستا، نقاشی‌های محمود فرشچیان با تلفیقی از عناصر سنتی و مدرن، سبک منحصر به فردی

نیکی کریمی، کیاوستمی را به جشنواره ریزبین برد

نیکی کریمی فیلم «خانه دوست کجاست؟» ساخته عباس کیاوستمی را برای نمایش در بخش مرور آثار هفتاد و سومین جشنواره فیلم‌برلین برگزید.

به گزارش ایستا، بخش مرور آثار امسال جشنواره برلین با عنوان «جوان در قالب -بزرگ شدن در سینما» شامل نمایش مجموعه ای از آثار انتخاب شده توسط کارگردانان، بازیگران و فیلمنامه نویسان بین المللی است و نیکی کریمی سینماگر ایرانی نیز یکی از چهره هایی است که برای انتخاب فیلم در این بخش انتخاب شده است و در نهایت فیلم «خانه دوست کجاست؟» ساخته عباس کیاوستمی کارگردان شناخته شده سینمای ایران در عرصه بین‌المللی را برای نمایش در این بخش برگزید.

در خلاصه داستان «خانه دوست کجاست؟» آمده است: احمد هشت ساله مصمم است دفتر مدرسه بهترین دوستش را پس

فرهنگ و هنر

خبر

گفت‌وگو با سازنده «روزهای بهتر»

چرا این سریال جهره نداشت؟



کارگردان سریال «زندگی بهتر» شبکه آموزش معتقد است: فقط شبکه آموزش نباید به بحث آموزش و اخلاق بپردازد بلکه همه شبکه‌ها باید بخش احترام به خانواده را پررنگ کنند.

این کارگردان که تاکید دارد دغدغه شخصی‌اش بحث آموزش است، در عین حال می‌گوید که بزرگترین مشکل تولید به بحث بودجه برمی‌گردد. و متأسفانه همیشه در کارها مشکل مالی داریم. عبدالرضا فیروزان، کارگردان سریال در حال پخش «زندگی بهتر» که مجموعه‌اش به سفارش سازمان نهضت سوادآموزی تولید شده است، در گفت‌وگو با ایستا ابتدا با توضیح کلی درباره خط اصلی داستان، بیان کرد: بیش از یک دهه است که برای نهضت سوادآموزی برنامه‌سازی و سریال‌سازی می‌کنم. قبل از این مجموعه، سریال‌های نمایشی دیگری چون مدرسه‌ای برای همه، فرصتی برای همه و قلم و بیان به سفارش همین سازمان را ساختیم. «زندگی بهتر» حقوق شهروندی، کتابخوانی، دوری از اعتیاد، همسرداری، تربیت فرزندان و… را به خانواده‌ها آموزش می‌دهد. این مجموعه نمایشی تا نیمه بهمن ماه روی آنتن شبکه آموزش است.

همیشه مشکل مالی داریم

این کارگردان درباره مشکلات سریال «زندگی بهتر» نیز خاطرنشان کرد: متأسفانه ما همیشه مشکل مالی داریم. برای ساخت این سریال هم با یک برآورده برنامه ترکیبی، سریال نمایشی ساختیم؛ آن هم به خاطر ارادتی که به سازمان آموزش کشور دارم و می‌خواهم به آن ادای بدهم. در حقیقت این کار را دلی سالمتم، خدانشکر هم با‌بخورده‌های خوبی از مردم گرفتیم و از این بابت خوشحالم.

فیروزان سپس پرسید همین بحث به این پرسش پاسخ داد که چرا در این سریال از بازیگران شناخته شده و حرفه‌ای استفاده شده و آیا این موضوع به کمبود بودجه مربوط می‌شود؟

وی تصریح کرد: قطعاً بله؛ به غیر از خانم‌ها شیوا خسرومهر و پریرسا رضایی که از بازیگران شناخته‌شده سینما و تلویزیون هستند، مابقی بازیگران همه روزمه کاری تئاتر، سینما و تلویزیون دارند اما چهره نیستند؛ بخشی از موضوع به بحث مالی هم برمی‌گردد و بخش هم باید واقع‌پذیر بود؛ بنابراین هر دو ما بود. ما باید به خودمان بقبولیم که متأسفانه دستمزد برخی چهره‌ها به قدری بالاست که شاید با برآورد کل برنامه‌ای ما هم نمی‌خواند. بنابراین باید به سمت استفاده از بازیگران خوب تئاتر و تلویزیون برویم، افرادی که شاید به نوعی کمتر دیده شده‌اند و یا فرصت دیده شدن نداشتند تا خودی با حداقل هزینه‌ها ساخته شود. خدا را شکر ما در این کار بازیگرانی را انتخاب کردیم که بدون هیچ‌گونه مسئله و مشکلاتی مقابل دوربین رفتند و به نظر من یکی از امتیازات کار ماست.

کارهای سفارشی و گل درشت بودن کارگردان «زندگی بهتر» در ادامه درباره تأثیرات احتمالی اسپانسر بر تولید سریال‌ها، تاکید کرد: طرح گل درشت موضوعات، هم به مسئله مالی و هم توقع سفارش‌دهنده برمی‌گردد. به عنوان مثال در سازمان نهضت سوادآموزی، مراکز یادگیری محلی پایه اصلی کار ما بود و خواسته و ناخواسته باید گل درشت می‌پرداختیم و مستقیم به موضوع اشاره می‌کردیم اما خود من به عنوان کارگردان اعتقاد دارم در کارهای سفارشی باید به صورت غیرمستقیم پیش رفت اما درباره برخی کارها نمی‌توانیم خطکش بگذاریم و برایش قانون وضع کنیم.

ادامه داد: به عنوان مثال در سریالی که به سفارش نیروی انتظامی و پلیس ساخته می‌شود، خواه ناخواه از ابتدا تا انتهای داستان، پلیس حضور دارد. کار ما هم همین‌طور است؛ یعنی وقتی نهضت سوادآموزی سفارش‌دهنده است با معرفی مراکز، گل درشت بودندش دیده می‌شود ولی یک جاهایی هم واقعاً در ذوق نمی‌زند مثل نیروی انتظامی، مبارزه با مواد مخدر و خیلی کارهای سفارشی دیگر که اتفاقاً به نظرم خوب است.

باستان‌شناسان در «چمشیر» به عیلامی‌ها رسیدند

دومین کارگاه در شرق محوطه قرار دارد، جایی که پیش از این پرشی توسط ماسین‌های راه‌سازی ایجاد شده بود و مکان مناسبی به‌منظور شناخت لایه‌های فرهنگی این محوطه است.

سرپرست هیئت باستان‌شناسی محوطه ۱۱۳ چمشیر با بیان این‌که در این کارگاه به عرض دو متر ایجاد شد که هرچه پایین‌تر می‌رفت طول آن بیشتر می‌شد، افزود: مرحله اول معماری هر دو کارگاه بعد از مدت‌زمان کوتاهی پدیدار شد که یافته‌های فرهنگی در این مرحله، نشان‌دهنده دوره عیلام (ایلالم) میانه و یکی از شاخص‌های فرهنگی این دوره اثر مُهری با وضوح کم است.

او اضافه کرد: هرچند با توجه به معماری مشهود سطحی در این محوطه، ابتدا یافته‌های معماری قلمه‌سنگی و قطعات شکسته سفال بوده است، در لایه‌های زیرین معماری خشتی نیز به‌دست آمد.

این باستان‌شناس ادامه داد: بعد از مرحله اول معماری، مرحله دوم معماری که ظاهراً در این زمان محوطه توسط زلزله پرقدرتی از بین رفته و خط زلزله در هر دو کارگاه کاملاً مشهود بود، فاصله دو مرحله معماری در هر دو کارگاه از لحاظ لایه‌نگاری بسیار اندک است.

حصاری گفت: با ضخامت نهشت‌های فرهنگی نسبتاً زیادی، مرحله سوم معماری نمایان شد، معماری با دیواری ضخیم به عرض یک متر که از

قلوه‌سنگ‌های بزرگ رودخانه‌ای که تقریباً هم‌اندازه هستند با ملات گچ و خاک

ساخته شده است، این معماری نیز در هر دو کارگاه نمود دارد.

او افزود: در کارگاه جبهه شرقی محوطه، در همین مرحله معماری پاره دیواری



نمایان شد که از خشت ساخته شده بود؛ خشت آجری‌رنگ محکمی که در نوع خود جالب توجه است. این خشت معروف به یک سو کوزی یا پلانوکتوکس است که با توجه به مواد فرهنگی به دست آمده، مشخصه خشت‌های معماری در ایلام قدیم در خوزستان و اور در بین‌النهرین است.

سرپرست هیأت باستان‌شناسی محوطه ۱۱۳ چمشیر بیان کرد: خوشبختانه همراه با سفال، قطعه کوچک از اثر مُهر که نقوش مبهمی در آن‌ها مشهود است، نیز به دست آمد.